

<div><div> </div><div>تلفن: ۰۲۱ ۸۸۷۶۱۷۲۰ تایمر: ۸۸۷۶۱۲۴۴</div> ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵</div>	
<div><div> </div><div>پایمک: ۰۲۱ ۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸</div> مصدق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۶۸۸۰۰</div>	
<div><div> </div><div>چاپ: چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جامجم</div> سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT</div>	
<div><div> </div><div>پخش‌ش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)</div> انتشارات مؤسسه فرهنگي مطبوعاتي ايران: ۸۸۵۴۸۸۹۶-۵</div>	
<div><div> </div><div>http://irannewspaper.ir</div></div>	
<p>اذان ظهر ۱۲/۰۰ اذان مغرب ۱۷/۱۳ نيمه شب شرعی ۲۲/۱۶ اذان صبح فردا ۵/۳۸ طلوع آفتاب فردا ۷/۰۹</p>	
<div><div> </div><div><div>امام حسین علیه‌السلام:</div></div><div>اگر همه گفته‌های علم، نیکو و درست بود، ممکن بود که از خودبینی دیوانه شود؛ بلکه همانا علم، کسی است که گفته‌های درستش فراوان باشد.</div></div>	
<div><div> </div><div><div>محاضرات الادیبا: ج ۵، ص ۵۰</div></div></div>	

نگاره
حدیث کاظم‌پور



	فضای مجازی
<p>در روزهای گذشته جشنواره سینما حقیقت برپا بود و جمع فیلم‌های مستند و کارگردان‌های این حوزه در پردیس ملت جمع. در سونی دیگر، در فضای مجازی شایعه فوت یک بازیگر کهنه‌کار مطرح شد که خوشبختانه یکی از دوستان این هنرمند آن را تکذیب کرد و خبر از سلامتی او داد. بخشی از این خبرها را مرور می‌کنیم.</p>	

- یاد**

نامش «اسکندر ابراهیمی زنجانی» بود ولی به واسطه اینکه در آن زمان تعصباتی نسبت به موسیقی وجود داشت، او هم برای اینکه مبدا خدش‌های به نام و نشان پدرش وارد شود، اسم مستعار «منصور نریمان» را برای خود برگزید. نریمان پدر عودنوازی ایران لقب گرفت و کم به موسیقی ایران خدمت نکرد ولی گویا او نیز اواخر عمر از کم‌لطفی‌ها گلگمند بود، می‌گفت: «تا وقتی که سالم هستی همه دورت جمع می‌شوند، اما همین که بنی‌ات ضعیف می‌شود همه کنارت می‌گذارند، مسئولان هم با من خداحافظی کرده‌اند.» اواخر آذر ماه امسال «مهارت ساختن و نواختن عود» به‌طور مشترک به نام ایران و سوریه در یونسکو ثبت شد و به همین دلیل ایسنا در گزارشی ذکرخیری کرده از این نوازنده شهیر ایرانی که تنها عود نمی‌نواخت و حتی سرو کارش با موسیقی فقط در حد عودنوازی نبود؛ اتفاقاً نقاشی و خوشنویسی هم می‌کرد، یانامی می‌نواخت و در سازهای دیگر هم تبحر داشت. نریمان همان‌طور که «حسن ناهید» نوازنده نی و از اعضای گروه پایور، گفت، حق بزرگی بر گردن موسیقی ایران دارد؛ چراکه به گفته ناهید، ۵۰ سال پیش در رادیو نوازندگان عود انگشت‌شمار بودند اما با فعالیت‌های نریمان و تربیت شاگردانی از سوی او، ساز عود رونق بسیاری یافت. «بد عود ایران» ۲۳ تیرماه ۱۳۴۲ دارفانی را وداع گفت و در قطعه هنرمندان در کنار شاپور قریب آرام گرفت.

- علیه شایعه**

طی یکی دور روز گذشته، خبرهایی درباره درگذشت توران مهرزاد (بازیگر قدیمی سینما، تئاتر و رادیو) منتشر شد و شهبین نجف‌زاده از همکاران قدیمی این هنرمند (که پس از سال‌ها ایفای نقش مادر و دختری در رادیو در زندگی واقعی هم باهم چنین رابطه‌ای دارند) در گفت‌وگویی با ایسنا، خبرهای منتشر شده در مورد مرگ وی را تکذیب کرد و به ایسنا گفت: خانم مهرزاد حال‌شان خوب است و در منزل هستند. نمی‌دانم این خبرهای نادرست و بدون منبع چگونه و به چه دلیلی منتشر شده، ولی خدا را شکر اتفاقی برای خانم مهرزاد نیفتاده است.

او اضافه کرد که توران مهرزاد در سال‌های گذشته فعالیت هنری خاصی نداشته بخصوص آنکه با توجه به شرایط سنی، چندان توانایی جلوی دوربین رفتن را ندارد ضمن اینکه خود این هنرمند هم تمایلی به کار ندارد. نجف‌زاده همچنین یادآور شد که در سال‌های گذشته حسن خجسته، از مدیران پیشین رادیو، از طریق رادیو حمایت‌های زیادی از این هنرمند به عمل آورده که همچنان ادامه دارد. گفتنی است توران مهرزاد که متولد ۱۳۰۹ است، در سال ۱۳۲۳ فعالیت‌های هنری خود را در تئاتر شروع کرد و سپس کارش را با ایفای نقش در نمایش‌های رادیویی ادامه داد.

- سینما مستند**

مهدی بخشی‌مقدم در گفت‌وگو با ایرنا و در توضیح مضمون قصه مستند «خونه مامان شکوه» که امسال در بخش مسابقه ملی مستندهای بلند شانزدهمین جشنواره بین‌المللی سینما حقیقت حضور دارد، می‌گوید: «خونه مامان شکوه، خانه‌ای است که دخترانی برای ترک اعتیاد در آنجا حضور دارند یعنی حالت کمپ دارد. این مستند، قصه زندگی این بچه‌هاست که هر کدام به شکلی به این خانه وارد و از آن خارج می‌شوند.

هرکدام در سن پایین یعنی ۱۸ تا ۲۵ ساله هستند و با آرزوها و رؤیاهایی وارد این خانه شده و با داستان‌های مختلف و امیدهایی از این خانه خارج می‌شوند.» او در پاسخ به این پرسش که چرا سراغ ساخت این فیلم و این سوژه رفته اینطور پاسخ می‌دهد: «اددغه مهم من این بود که بسیاری از کسانی که به سمت کمپ‌های ترک اعتیاد می‌روند، قادر به ترک نیستند و دوباره بازمی‌گردند. برای من مهم بود بدانم در کمپ چه اتفاقاتی برایشان می‌افتد تا اینکه با خونه مامان شکوه آشنا شدم و توانستم اعتمادشان را جلب کنم تا بتوانیم فیلمبرداری کنیم و خیلی راحت با دخترانی که در آنجا هستند، صحبت کنیم و آنها زندگی‌هایشان را روایت کنند.»

- کتاب**

کتاب «خداحافظ عمو میر» از مجموعه داستان‌هایی از تاریخ علم معاصر و برای گروه سنی بالای ۱۲ سال (گروه سنی نونگاه) نوشته شده‌است. این کتاب، داستان یک ایستگاه فضایی قدیمی است. ایستگاه میر با اینکه تأثیر زیادی در پیشرفت علم و فناوری داشته اما به دلیل کهنه شدن قطعاتش و هزینه بالای نگهداری از آن، باید تعطیل شود. این کتاب یکی از مجموعه داستان‌هایی از تاریخ معاصر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است و بینش علمی کودکان و نوجوانان را رشد می‌دهد و دریچه تازه و شگفت‌انگیزی به تخیل و کنجکاوای آنان باز می‌کند تا بتوانند با خودباوری و خلاقیت، نقش آفرین فردایی بهتر باشند. حمید نوابی لواسانی نویسنده کتاب، متولد ۱۳۴۲ - تهران است و تحصیلات خود را تا مقطع کاردانی در رشته امور فرهنگی ادامه داد و به‌عنوان کارشناس و منتقد ادبیات کودک و نوجوان فعالیت‌هایی انجام داده است. او از بدو تأسیس انجمن نویسندگان کودک و نوجوان عضو این گروه بود. کتاب «خداحافظ عمو میر» را تصویرگری ریحانه آل‌انیخ در ۳۱ صفحه و به قیمت ۳۲ هزار تومان با شمارگان ۲ هزار ۵۰۰ نسخه در سال ۱۴۰۱ توسط انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر شد.

عضو هیج باند ودسته‌ای نیستم

جهانبخش سلطانی: این روزها ورود و حضور در عرصه تصویر بسیار سخت شده است. امروز برای کار کردن در سینما باید وارد باند شوید. این باندها جمعیتی هستند که در داخل خودشان کارها را انتقال می‌دهند، آنها هر هفته با هم جلسه دارند و از بین خودشان انتخاب می‌کنند. در سال‌هایی که گذشت، بسیار اذیت شده‌ام؛ چون تاکنون عضو هیچ گروه، باند و دسته‌ای نبوده‌ام. هنرمندان، دیگر نگاه عمیق به رخدادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ندارند و کسانی که اهل دل و معرفت هستند هم حضوری مستمر و عینی در تولید کارها ندارند. عمده کارها در سطح و برای سرگرمی ساخته می‌شود و دیگر هیچ هدفی ندارد. به همین علت است به کسانی مثل من که ۵۰ سال است در این حرفه هستیم، بسیار سخت پیشنهاد کار می‌شود

	<div><div> </div><div>بخشی از صحبت‌های این بازیگر پیشکسوت در گفت‌وگو با ایرنا</div></div>	
---------------	---	---------------

ماجراهای خانم آقای او

مشقت تسمیه‌ی اولاد

خانجون خدابامرز می‌گفت قدیم‌تر، نام اولاد را گیس و ریش سفیدها تعیین می‌کردند؛ بی‌جو می‌شدند از اقربا و ارحام، نام مادربزرگی جهت صبی‌ها و جد و پدرج‌دی جهت اولاد ذکور… ننه بابا اگر معارض می‌شدند، التفاتی نمی‌شد. بعضی که میل تنوع داشتند اسامی به الله و خدا و علی ملازم می‌کردند جهت برکت و عاقبت بخیری اولاد ذکور، دخت و بانو و خاتون و سادات جهت صبی‌ها. عده‌ای به قلت در دختر و پسری اولاد قدر و اعتبار دیده فلسفه توجهمشان در تسمیه بروز می‌کرد. اگر متصل دختردار می‌شدند به امید پسر داشتن صبی‌ه آخر، دخترتیس تسمیه می‌کردند، دختر بخت برگشته عمری به انگ ناخواستگی سرشستگی می‌کشید و اگر و من بعد دختر، پسر دار می‌شدند خداداد تسمیه می‌کردند به جهت اظهار شوق و شعف. توی این روزگار ملون الاحوال، تسمیه اولاد معضل شده. ناغافل وسط خیابان استماع می‌کنیم مادری فرزندش را خوانده، عوض نام گل و بلبل و پروانه یکسری اصوات هولناک از منخرینش خارج شده. مقدمتا، پدر و مادرها ایراد گرفتند، این فقرات اسامی منوی بزرگترها، کهنه و دمده است. بزرگترها کوتاه آمدند، لکن پدروماد‌های ا‌غرب و اعجب روزگار، تسمیه اولاد به عصر پارینه سنگی تفویض فرمودند. بی‌جهت نیست کردار اطفال امروزی بر سیبل دایناسور‌هاست. فهرست اداره خیمه ثبت احوال، کاتهو کتب عصر ژوراسیک، خوفناک است، بمذّه آدامیزاد تحیر می‌کند، اولاد‌شان را صدا می‌کنند یا فحش کشش می‌کنند. آدمیزاد جهت حفظ اسامی به تعب و مشقت افتاده، جهت تلفظش به لکنت و زبان‌پریشی، قوه ناظه‌اش به عیب و ایراد می‌افتد.

از چشم و دنتم حرف مردم روزگار، تسمیه اولاد جا نمانده. تاخت و مسابقه است؛ هرکه زودتر انتخاب کرد به دیگران معارض می‌شود چرا اسم اولاد ما برداشتی، خیال می‌کنند سجل، سند منگوله دار اسامی است، هرکه برداشت، مابقی باید محروم شوند. همسایه تازه ما فاطمه خانم دوتا صبی‌ه دارد، شماره ۹۹رقیمت زنگ زدیم جهت اظهار خیرمقدم

نفیس ترین کاشی‌های ابنیه عصر قاجار

کتاب «کاشی و کاشیکاران طهران در عصر قاجار» تازه‌ترین اثر پژوهشی من است که در عرصه تهران پژوهی منتشر شد. این کتاب نتیجه ۱۰ سال پژوهش میدانی روی مجموعه نفیس‌ترین کاشی‌های باقیمانده در ابنیه تهران از دوره قاجار است. در این کتاب، کاشی به مثابه عنصری تزئینی در معماری ایران با تکیه بر تحولات تصویری در کاشی‌های ابنیه سلطنتی، مذهبی و خانه‌های تهران مورد بررسی قرار گرفته است. در این اثر مهم‌ترین کاشی‌های تصویری عصر ناصری با ارائه تصاویر کمتر دیده شده با نمونه‌های عکس‌های متعلق به همان دوران تطبیق داده شده است. همچنین پیشینه ساخت کاشی و خشت‌های لعابدار از دیرباز تا سده سیزدهم هجری، شیوه‌های ساخت و تولید در کاشی‌های تهران، سبک نقاشی و مهم‌ترین کاشیکاران طهران تا انقلاب مشروطه مطالعه شده‌اند. در این اثر بیش از ۴۰۰ نمونه از انواع کاشی‌های هفت رنگ و زیرلعابی مختص کاخ‌ها و بناهای تهران با کیفیت



عالی منتشر شده است. از جمله بناهایی که کاشی‌های آنها برای نخستین بار در این کتاب منتشر شده‌اند می‌توان به کاشی‌های کاخ سلطنت آباد، کاخ گلستان، عمارت مسعودیه، خانه مقدم، خانه قوام السلطنه، خانه فرمانفرمایان، مسجد مسجدمسالار و خانه تیمورتاش اشاره کرد.

در کتاب کاشی و کاشی‌کاران طهران در عصر قاجار، نمونه‌های ممتازی از انواع کاشی‌ها بر اساس نقوش و مضامین، طبقه‌بندی و بررسی شده است؛ فصول مختلف کتاب حاضر شامل: نقوش گیاهی و حیوانی، نقش شیر و خورشید، مجالس بزم و ضیافت، گلگشت و دیدار دلدادگان، شکارگاه، سوارکاری و چوگان بازی، پادشاهان، شاهزادگان و صف سلام، رجال، نظامیان و خارجی‌ها، اصناف و مشاغل، مضامین عاشقانه و عارفانه، مضامین حماسی و باستانی، مضامین مسیحی، زنان و فرشتگان، عجایب نگاری، بناها و منظر‌پردازی است. از ویژگی‌های بارز کاشی دوره قاجار می‌توان به راهبانی موضوعات مردمی و تصویر اصناف و مشاغل مختلف به کاشی‌ها اشاره کرد.

از بخش‌های جذاب این کتاب می‌توان به نمونه کاشی‌های عکسی و کارت پستالی اشاره کرد که در دوره ناصری، کاشیکاران تصاویر را مستقیماً از نمونه عکس‌های دوره قاجار اقتباس کرده‌اند و در اینجا برای نخستین بار اصل عکس‌ها و کارت پستال‌ها در کنار کاشی‌ها برای مقایسه تطبیقی منتشر شده است. در بخش پایانی کتاب نمونه‌هایی از سبک کاشیکاری سقاخانه‌ها، دروازه‌ها و تزیینات خوشنویسی عصر قاجار ارائه شده است. کتاب کاشی و کاشی‌کاران طهران در عصر قاجار، در قطع رقی، ۲۷۲ صفحه گلاسه تمام رنگی، توسط نشر دانیار منتشر و روانه بازار کتاب شده است.

شوق زندگی در بی‌خانمان‌ها موج می‌زند

از زمانی‌که انسان‌ها زندگی به شکل نوین یعنی گروهی را تشکیل دادند، روابط مختلفی از رفتارها و احساسات را تجربه کرده‌اند. زندگی گروهی به شکل روستایی یا شهری دارای قوانین و مقرراتی است که آنها را اعضا و افراد آن جامعه وضع می‌کنند.

خانواده به‌عنوان کوچکترین گروه از جامعه انسانی متشکل از افراد سببی یا نسبی است که با ایجاد محبت بین آنها در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند، همدگر را دوست دارند و به خاطر تعاملی که بین‌شان وجود دارد کمی و کاستی‌های زندگی را با هم‌راهی کردن همدگر پوشش می‌دهند. در بعضی از خانواده‌ها به دلایل مختلف که ناشی از نداشتن آگاهی خانواده است، مهارت‌های فردی لازم برای مواجه شدن با مشکلات و مسائل زندگی آموخته نشده نمی‌شود و افراد مهارت‌های زندگی را آموزش نمی‌بینند و در نتیجه به نسل بعدی نیز منتقل نمی‌کنند. در این دسته از خانواده‌ها بندها و کنش‌های عاطفی هر روز روبه ضعف می‌رود و در زمانی‌ا هم گسسته می‌شود. در این زمان است که پشتوانه‌های خانوادگی بین افراد از بین می‌رود و آن فردی از اعضای خانواده که از بقیه بیشتر آسیب‌پذیر شده ناچار به ترک خانواده می‌شود. در این زمان پدیده بی‌خانمانی برای آن فرد اتفاق می‌افتد. البته ناگفته نماند که این موضوع یکی از علت‌های بی‌خانمانی است. در بین افراد بی‌خانمان افرادی را می‌بینیم که با وجود داشتن خانه، پول و حتی درآمد ناچار به خارج شدن از خانواده شده‌اند که در این افراد همان سست شدن پیوندهای خانوادگی اتفاق افتاده است. موارد دیگری مانند اعتیاد، ورشکستگی مالی، فقر، بیکاری و غیره از علت‌های دیگر و مهم در بروز این پدیده است.

افراد بی‌خانمان در گوشه و کنار خیابان‌ها، کوجه‌ها و بعضی مکان‌های عمومی روز و شب خود را می‌گذرانند که شاید برای خودشان تا قبل از بی‌خانمان شدن قابل تصور هم نبوده است. آنها وقتی از خانواده جدا شده‌اند از جامعه و قوانین شهری و معادلات و روابط بین انسان‌ها نیز جدا می‌شوند و دور می‌مانند. آنها نسبت به اتفاقات، بیماری‌های همه‌گیر، قوانین شهری و قوانین شهروندی آگاهی ندارند. چند سالی است که دولت‌ها نگاهی حمایتی به این افراد پیدا کرده‌اند و جهت سامان دادن به آنها مراکز را راه‌اندازی کرده‌اند که در آن مراکز، اولین نیازهای آنها مانند جای خواب، استحمام و غذای گرم به افراد ارائه می‌شود. از سویی خدمات مددکاری و بهداشتی هم به این افراد ارائه می‌شود.

افرادی که وارد چرخه بی‌خانمانی شده‌اند، طی بررسی‌ها و تحقیقات، افرادی هستند که در تفکر عموم به مراحل آخر خط روابط خانوادگی و زندگی رسیده‌اند و تصور ما این است که آنها شوق و امید به زندگی را از دست داده‌اند و بازگشت‌شان به زندگی معمولی بسیار سخت است یا امکان‌پذیر نمی‌باشد اما وقتی وارد مرکز و خوابگاه‌های آنها می‌شویم بعضاً افرادی را می‌بینیم که با همین شرایط فعلی خود کورسویی از شوق و ذوق زندگی را در شرایط فعلی‌شان می‌توانیم ببینیم. بعضی از آنها با تمام سرخورده‌های اجتماعی و خانوادگی، انگ‌ها و تبعیضات در جامعه، همچنان با عزت نفس و اتکا به پذیرش موقعیتش یک تنه زندگی حال را زندگی می‌کنند.

	<div><div> </div><div>عکس نوشت</div></div>	<div><div> </div><div>«سلمان فارسی» پروژه الف ویژه داوود میرباقری که طی چند ماه اخیر در شاهرود در حال تصویربرداری بود این روزها در ایرمنستان جلوی دوربین می‌رود و مبارق‌ری به همراه عوامل این سریال، آخرین سکانس‌های فصل بی‌رسان را در این کشور ضبط می‌کند. گفتنی است این سریال داستان سلمان فارسی، صحابه ایرانی پیامبر اسلام را به تصویر می‌کشد و علیرضا شجاع نوری، داریوش فرهنگ، محمد رضا دهبادی، فرهاد اصلانی، مجید مظفری، احترام برومند، تورج نصر، محمد فیلی، جعفر دهقان، شکر خدا گودرزی و… از بازیگران آن هستند. ایسنا</div></div>	
---------------	---	---	---------------

	<div><div> </div><div>سورنون</div></div>	
<div><div> </div><div>بدن آدمیزاد شکننده است، اما هیچ نیرویی در این دنیا، به قدرت نیروی روحی او نمی‌رسد، به شرطی که اراده و وقوف داشته‌باشد!</div></div>		
<div><div> </div><div>سوشون / سیمین دانشور</div></div>		

کتابخانه‌ها و بایگانی دانش

در جهان معاصر، کتابخانه‌ها بدون شک نمادی از فرهنگ و فضل و کمال هستند و همچنین مکان‌هایی برای یادگیری و سرگرمی ادیبانه. این مقام به چندین پیش‌فرض وابسته است. نخست آنکه، جدای از پیشرفت کتابخانه‌های دیجیتال و پایگاه‌های داده، کتاب‌های چاپی و ژورنال‌ها کماکان بهترین رسانه و بایگانی دانش هستند، حال این دانش در هر رشته‌ای که می‌خواهد باشد. دوم آنکه شمار کتاب‌های موجود در بازار از توانایی خواندن و خرید هر فرد بیشتر است و این روند از دوره رنسانس آغاز شده است. بنابراین انتخاب بخشی از این حجم بالای کتاب و اندوختنشان در مکان‌هایی چون کتابخانه‌ها کاملاً منطقی به نظر می‌رسد، مکان‌هایی که منبعی هستند مشترک برای اجتماعی از کاربران که کم‌وبیش می‌توان تعریفشان کرد. می‌توان از کتابخانه‌های عمومی کتاب قرض گرفت، بی‌آنکه آنها را به تمکل خویش در آورد. سوم اینکه کتابخانه‌ها آرشویی هستند از کتبی قدیمی و کهن که مفید و ارزشمند تلقی می‌شوند، چه به سبب ارزش تاریخی‌شان و دانشی که به نسل‌های بعدی انتقال می‌دهند و چه به سبب معنا و دلالتشان. کتابخانه‌ها را، به سبب تشکیلات معماریانه‌شان، چیدمان داخلی و دارایی‌هایشان، می‌توان تجسم مادی شکلی معین از حافظه فرهنگی و انتقال دانش در نظر گرفت. کتب کهن لزوماً منسوخ نیستند، آنان قدم‌هایی هستند در تبارشناسی خرد و هنوز می‌توانند در فرایند آموزش نقشی فعالانه ایفا کنند. چهارم آنکه مجموعه کتاب‌های کتابخانه‌ها با‌تازبا دهنده ایده و تشکیلاتی کلی دربار‌ه دانش، حافظه و فرهنگ، چه جهانی و چه دایرةالمعارفی، است. این مجموعه‌ها در حین عمل ممکن است گزیده‌ای از یک رشته یا زائر ادبی مشخص باشند. در نهایت، با وجود تفاوت در مقیاس و اهداف، یک کتابخانه ملی، یک کتابخانه دانشگاهی یا عمومی و یک کتابخانه خصوصی در برخی ویژگی‌ها با یکدیگر مشترک‌اند؛ مانند اتاق‌ها یا لافلاقی مللمان و قفسه‌هایی که کتاب‌ها، بنا به شکل‌های گوناگون نظم و ترتیب، در آن نگهداری می‌شوند و از این طریق حفظ می‌شوند و در نهایت به دست خواننده خود می‌رسند. هنگام بررسی تاریخ کتابخانه‌ها- چه در غرب و چه در دیگر قلمروهای فرهنگی- آشنایی ما با این مؤسسات و سازکارشان می‌تواند به ناهنجاری تاریخی بینجامد. این امر خود می‌تواند ما را به انگشت‌گذاردن بر وجوه فنی، مانند معماری، فهرست‌نویسی، جمع‌آوری کتاب، کارکنان و خوانندگان بکشاند، بی‌آنکه ویژگی‌های فرهنگی و یکنای هر کتابخانه را در نظر بگیریم و همچنین به ماهیت بالقوه متفاوت، هدف و وضعیتشان در جوامع گذشته توجه کنیم. مدارک چندپاره و گاه بی‌ربطی که برای تحقیق و بررسی باید بر آن تکیه کنیم، پاسخ دادن به بسیاری پرسش‌ها درباره تشکیلات کتابخانه‌های باستان را غیرممکن می‌کند. این پرسش‌ها ممکن است به شیوه نظم و ترتیب دادن به کتاب‌ها، میزان دسترسی مخاطب به آنها و همچنین حدودی که برای یک کاربر در استفاده از کتاب در نظر گرفته می‌شد- مانند قابلیت خواندن یا نسخه‌برداری از کل متن یا بحث و بررسی درباره آن با دیگران- بپردازد و برای هر یک جوابی دست‌وپا کند.

ما به‌طور قطع، به‌عنوان تاریخدان و زبان‌شناس، باید در باب ماهیت فیزیکی و مفهومی کتابخانه‌های یونان و روم باستان تحقیق و تفحص کنیم. تحقیق و بررسی ما‌نه‌تنها بر شواهدی که در طی سال‌ها به ما رسیده متکی است، بلکه همچنین بر فقدان اطلاعات یا سکوت منابعمان درباره برخی جنبه‌های این مؤسسات استوار است. ما باید کتابخانه‌های باستان را در چهارچوب اجتماعی و فرهنگی‌شان در نظر بگیریم و آنان را موضوعاتی تاریخی بدانیم که متغیرهای متعددی بر آنان تأثیر گذارده‌اند. تا آنجا که منابع موجود به ما اجازه می‌دهد، باید ماهیت، هدف، معنا و کاربردهای کتابخانه‌های باستان را با قرار دادنشان در کانون مسائل تاریخی، معماری و ادبی بررسی کنیم. بررسی کتب به‌مثابه کالاهایی مادی و متنی برای انتقال فرهنگ و فضل مشترک فرایندهای اجتماعی و سیاسی در اینجا بسیار تعیین‌کننده است. کتابخانه‌ها را باید در رابطه با تولید ادبیاتی در نظر گرفت که بیشتر بر خواندن و مطالعه متکی بود تا کلام. به بیان دیگر، آنان را باید در پس‌زمینه ظهور خوانندگان درک کرد، حال این خوانندگان چه ادیبان باشند، چه دانش‌آموزان و دانش‌جویان و چه خوانندگان غیرحرفه‌ای ادیبات.

